



▼ پایان سخن

طی این روزها در فضای اظهارنظر اصولگرایان به‌ویژه رادیکال‌های آنها چنین واکنش‌هایی به سخنان ناطق نوری کم نبوده است. رفتاری که البته همین تندروها در انواع متفاوت آن طی چند روز گذشته نسبت به محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین بر سر اجرای قانون حجاب در پیش گرفته‌بودند و حالا هم به جای آنکه بازگشت ناطق نوری را فرصتی برای بهره بردن از توانمندی‌ها و تجربیات این چهره بدانند؛ این اختلاف‌نظر را فرصتی برای حمله به یکی دیگر از بزرگان و تخطئه او دانستند و از این طریق چنددستگی جدیدی را ایجاد کردند. البته قرار نیست که چه اصلاح‌طلبان و چه اصولگرایان با هر نظری در جرگه سیاسی خود موافق باشند، چه در جایگاه نظر اکثریت جریان و چه در جایگاه نظر اقلیت در آن جریان؛ اما اینکه چنین حمله‌ای به یک چهره سیاسی صرف تفاوت نظرش آن هم نه حتی در بیان یک نظر شاذ بلکه نظری که طی دهه‌های اخیر از سوی بسیاری از چهره‌های سیاسی و حتی برخی از دانشجویان خط امام نیز مطرح شده است، بسیار عجیب است. جریان سیاسی اصولگرا در تجربیات اخیر خود به نظر می‌رسد به دنبال شورش علیه بزرگان خود است و عملاً بزرگان استخواندارش را به سمت باقی ماندن در «مارپیچ سکوت» سوق می‌دهند؛ و هزینه هر گونه اظهارنظر متفاوت در این جریان را چنان بالا برده‌اند که عملاً ترجیح همان سکوت باشد. همان چیزی که ناطق نوری در بیان علت سکوتش بر آن تاکید کرد و گفت: «من از این تنش‌ها خوشم نمی‌آید و موافق نیستم... این مسئله را به ضرر کشور می‌دانم، نه به سود آن. بنابراین ترجیح می‌دهم کمتر صحبت کنم یا در تریبون‌ها و مصاحبه‌های رسمی حاضر نشوم.» در ادامه گفت وگویی با غلامحسین کرباسچی، مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن، محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا و عباس موسایی، سخنگوی حزب توسعه ملی درباره بازگشت ناطق نوری داشته‌ایم.



او در بخش دیگری از سخنانش به اشغال سفارت آمریکا اشاره کرده و آن را اشتباه دانسته است همین هم موجب حملات بسیاری به او از سوی تندروها شد. نظرتان درباره این بخش از سخنان ایشان چیست؟ به نظر شما علت این حملات تندروها به ناطق نوری چیست؟

عباس موسایی: یکی دیگر از خصایص افراطیون، ماندن در گذشته و عدم درک پویایی سیاست است؛ به‌گونه‌ای که رخدادهای برآمده از وضعیتی خاص و متمایز را به‌عنوان بخشی لاینفک و لاین‌تغیر از هویت خود، تعریف می‌کنند. آمریکاستیزی متبلور در حادثه‌ی اشغال سفارت آمریکا، یکی از این رخداده‌ا است که برای جریان افراطی، حالتی مقدس یافته است. این در حالی است که بخشی از دانشجویان حاضر در این رخداد نیز به صراحت از آن اتفاق ابراز پشیمانی می‌کنند. آقای ناطق نوری هم‌زمان حمله به سفارت انگلیس و عربستان را نیز اشتباه دانسته‌اند. بدیهی است که آقای ناطق نوری به‌عنوان یک سیاستمدار، از نقطه‌ی عزیمت منافع و مضرات این تصمیمات برای منافع و مصالح ملی، ارزیابی نقادانه‌ای از آنها داشته و پیامدهای این رخداده‌ا را برای منافع ملی، واجد آسیب و ضررهای فراوان ببیند. همچنان که بدیهی است که چون ترازوی جریان افراطی و ایدئولوژیک برای توزین و تحلیل پیامد رخداده‌ا، منافع و مصالح ملی نیست، به تخریب‌گری روی آورد.



بازنگری‌هایی انجام دهند. من آقای ناطق را از این جهت که حرفش را صریح می‌زند و کتمان نمی‌کند و اهل ریاکاری نیست، تحسین می‌کنم. در مقابل اما برخی از دوستان اصول‌گرای ما یک روش بیشتر بلد نیستند و آن هم داد زدن و فحش دادن و متهم کردن است. اگر واقعاً استدلال‌هایی وجود دارد، در مقابل حرف‌های ایشان بگویند. جامعه هم رشید و می‌فهمد. حتی اگر حرفی که می‌زند غلط باشد، هیچ دلیلی برای فحاشی و ناسزاگویی وجود ندارد. به هر حال آقای ناطق جزء کسانی است که در همان سال‌های اول انقلاب، داستان سفارت آمریکا برایش جزء موارد روی میزش بوده و چون از افراد اصلی کشور هم بوده، قضאותی که نسبت به آن زمان می‌کند، قضאותی است که باید شنیده شود. من اعتقاد دارم که ممکن است افراد دیگری هم باشند که نسبت به اشغال لانه جاسوسی معترض باشند اما از ترس اینکه مبدا تهمت به آنها زده شود، سکوت کرده‌اند. من با اینکه ممکن است دیدگاهم با آقای ناطق یکی نباشد، اما شجاعت ایشان را ستودنی می‌دانم.

صرفاً متعلق به آقای ناطق نوری نیست. علاوه بر سفارت آمریکا، تجاوز به سفارت عربستان هم توسط کسانی که معلوم نیست چه هویتی داشتند اتفاق افتاد که متأسفانه اخلاص بسیاری در روابط سیاسی ایران با عربستان ایجاد کرد و بعد هم با سفارت انگلیس آن کار را کردند. به قول آقای ناطق که اصلاً معلوم نیست افرادی که عمل آنها از ناحیه همه مقامات نظام نخطئه شد، کجا هستند و چه می‌کنند.



محمد مهاجری: من دیدگاه آقای ناطق که می‌گویند حمله به سفارت آمریکا اشتباه بود، خیلی همراه نیستم اما یک نکته‌ای را نباید فراموش کنیم. چهره‌های اصلی انقلاب اگر دیدگاه‌هایشان تغییر کرده باشد ونظراتی ارائه دهند که با دیدگاه‌های دوره گذشته‌شان متفاوت باشد، این را نباید به حساب تجدیدنظرتلبی در اصول تلقی کرد. به هر حال افراد در طول ممارست‌های سیاسی‌شان در دهه‌های مختلف، ممکن است در اعتقادات گذشته‌شان

غلامحسین کرباسچی: آقای ناطق تازه این حرف را زدند و اگر آن آقایونی که الان خود را جزو جناح راست و روحانی می‌دانند، خدایا بمرز آقای مهدوی کنی آن زمان در سفارت نماز واجب هم نمی‌خواندند و می‌گفتند جای غصبی است و مخالفت کردند. نقل شده که ایشان ابتدا با امام تماس گرفتند و یا حتی نقل شده است که تماس تلفنی از طرف خود امام بوده است و گفتند بروید این افراد را از سفارت بیرون کنید. اما با تماس‌های دیگران و حرف‌ها و دخالت‌ها این واقعه شکل دیگری پیدا کرد. درواقع مسئله سفارت تنها مواضع شخص آقای ناطق نیست و خیلی از افراد و شخصیت‌های جناح راست، چپ و معتدل موضع مخالف داشتند و الان مواضع خیلی گسترده‌تر شده است و حتی کسانی که در جریان اشغال سفارت بودند شاید ارزیابی متفاوتی داشته باشند. برخی شاید از آن موقعیت خاص انقلابی دفاع کنند و بخواهند آن شرایط را معیار قرار دهند اما مسئله



بخش دیگر سخنان ایشان درباره دلواپسان و تندروها نیز قابل توجه است. ایشان گفته است: «بعضی از رفتارها و حتی گفتارهای تند دلواپسان یا گروه‌های افراطی باعث رنجش مردم می‌شود و به مصلحت کشور و نظام نیست. درست این است که با هوشمندی، تدبیر و در کنار حفظ وحدت ملی، از این تجربه چهل ساله درس بگیریم و مسیرهایی را برای اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین تنش‌زدایی در سیاست خارجی پیدا کنیم.» نظرتان درباره این ابراز نگرانی از سوی یک چهره برجسته اصولگرا و جناح راست چیست؟

اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، همیشه وظیفه‌شان این بوده که حتی تندروهای جناح خودشان را به نحوی جذب کنند و اجازه ندهند که آنها، به جریان خودشان لطمه بزنند و هم اینکه در بیرون، دیگران به آنها حمله کنند. آقای ناطق، الان قصد طرد کردن جریان تندرو اصول‌گرا را ندارد. ایشان، یک بازخوانی تاریخی انجام می‌دهد که فقط برای ثبت در تاریخ هم نیست، برای این است که راهکاری برابر نسل جدید قرار دهد و آنها را با فرآیند تندروهای کشور و آثار این تندروی‌ها آشنا کند. برداشت من این است که در واقع آقای ناطق می‌خواهد با برشمردن آثار و تبعات فعالیت‌های سیاسی جریان تندرو، تبیین‌کننده یک راه جدید در کشور باشد که در آن، هم بتوانند جریان تندرو را به نحوی اصلاح کنند و هم اینکه جامعه را با آنها آشنا کنند.



عباس موسایی: وجه متمیزه راست افراطی داخلی از نیروهای سیاسی اصول‌گرای سنتی را باید در جایگاه عقلانیت سیاسی، منافع و مصالح ملی، مصلحت کشور و نظام حکمرانی در منظومه گفت‌ومانی و عملکرد این دو جریان دید. در منظومه گفت‌ومانی اصول‌گرایان سنتی یا محافظه‌کاران سنتی، عقلانیت، تجربه و لزوم فهم شرایط کشور اهمیت دارد. حال آنکه جریان تندرو و بنیادگرا، فاقد توجه به این مؤلفه‌ها است و احساسات بر عقلانیت سیاسی، غلبه می‌یابد. پیامدهای گفتار و

همان «ضعف»ی است که رهبر انقلاب درباره‌اش هشدار داده‌اند. «البته این نوع مطالب محدود به همین رسانه‌ها نشد و محمدامین فرج‌اللهی، از دیگر چهره‌های اصولگرا که در حوزه تاریخ فعالیت می‌کنند در کانال تلگرامی پیام‌شهید نوشت: «واقعاً قصد توهین و تشبیه ندارم و برای رساندن بهتر مطلبم می‌گویم. فرض کنید کسی سال‌ها در دوقطبی‌ی امیرالمومنین (ع) با اهل سقیفه، حامی امیرالمومنین بوده و استدلال‌هایی داشته باشد. پس از دو دهه یک دفعه بگوید در اتفاقات آن سال‌ها حق با علی (ع) نبود، با اهل سقیفه بود. اینجا چه باید کرد؟ به صرف جرح‌وش و تعبیر امروزی او، واقعیات تاریخی که او رویشان تکیه می‌کرده هم تغییر می‌کنند؟... کاش آقای ناطق هم با خودشان و هم با تاریخ، صادق باشند. در این بین چهره‌های سیاسی تربیون‌دار نیز با همین نگاه وارد اعتراض به ناطق نوری شدند؛ از جمله احمد علم‌الهدی، امام جمعه‌مشهد که روزگشته در خطبه‌نماز جمعه گفت: «اما متأسفانه بعضی از عزیزان ما یا دچار گسست شدند و یا به ستوه آمدند که می‌گویند «اگر ما سفارت آمریکا را نگرفته بودیم، این همه مشکلات به وجود نمی‌آمد»؛ شما که آن زمان حضور داشتید و می‌دانید در چه موقعیتی دانشجویان پیرو خط امام آن لانه جاسوسی را تسخیر کردند. «وی با بیان اینکه از سال ۴۱ تا زمستان ۵۷ که انقلاب به پیروزی رسید، آمریکا از هیچ فتنه، توطئه و جنایتی کوتاهی نکرد، گفت: «جناایات آمریکا تا به آنجا بود که فرمانده ناتو را با اختیارات تام برای قتل عام مردم فرستاد اما وقتی شرایط را مساعد ندیدند، تصمیم گرفتند انقلاب به پیروزی برسد تا بعد با ایجاد فتنه و تفرقه بین مردم و اقلیت‌های قومی این انقلاب را شکست بدهند... با توجه به رهنمودهای امام خمینی(ره) ومقام معظم‌ورهبری به‌هیچ‌عنوان ماطی سال‌هایی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، دچار خطا و اشتباه نشدیم.»

▼ نوع دوم اعتراضات، ما می‌فهمیم و شما نه

نوع دیگری از انتقاد، اعتراض یا حمله به ناطق نوری همراه با این برداشت بود که شما گول خوردی و متوجه نیستی. حسین

سیاستمداران



پدر امیر محمد خالقی و محاکمه وجدان عمومی و سازمان سیاسی

محمدجواد غلام‌رضا کاشی در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «پدر امیرمحمد خالقی انتقام از قاتل فرزندش را دوماه به تعویق انداخت. پدر امیرمحمد کار مهم دیگری هم کرد: وجدان عمومی و سازمان سیاسی در این کشور را به محاکمه کشید.» او در بخش دیگری نوشت: «نظیر پدر محمد خالقی بازهم در میان شهروندان ایرانی پیدا می‌شوند: در لحظه انتقام، چشم در چشم ناامید قربانی می‌دوزند. احساس می‌کنند با مرگ او دست خودشان هم آلوده به مرگ دیگری خواهد شد. اما هنگامی که از فرد به جریان و گروه سیاسی تبدیل می‌شویم، اعم از آنکه در مصدر قدرت باشیم یا رویاروی نظام مسلط ایستاده باشیم، تاب تحمل دیگری نداریم، شانس دوام و پیروزی خود را در مرگ دیگری جست‌وجو می‌کنیم. در میدان‌های مختلف به سمت هم شلیک می‌کنیم. قربانیان از هر دو سو کنار هم پرتاب می‌شوند. شماری که در جبهه ما بودند شهیدند، شماری که در جبهه مقابل بودند، هلاک شده یا به درک وصل شده‌اند. ما سال‌هاست با این ادبیات زندگی می‌کنیم. به این سبعت خو کرده‌ایم شرم هم نمی‌کنیم.» او در پایان نوشت: «پدر امیرمحمد می‌توانست قاتل فرزندش را اعدام کند. اما آن نوجوان اعدام‌شده هم بی‌کار نمی‌نشت. پدر امیرمحمد را برای همیشه در زندان درویش اسیر می‌کرد. پدر امیرمحمد با این بخشش آزاد شد. وای به ما که در صحنه سیاست هر روز دیوار تازه‌ای پیرامون خود می‌سازیم و در زندان خودشفیقت‌مانگی مان برای ابد زندانی شده‌ایم.»



شرکت نکردن در نشست شرم‌الشیخ صحیح بود

محمداسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خار جی مجلس در گفت‌وگو با دیده‌بان ایران توضیح داد: «شرکت نکردن ایران در نشست شرم‌الشیخ کاری صحیح و خردمندانه بود.» وی در پاسخ به این پرسش که چرا برخی فعالان سیاسی داخلی اصرار داشتند که ایران حتماً در نشست شرم‌الشیخ شرکت کند؟ گفت: «آقایانی که می‌گویند باید در نشست شرم‌الشیخ شرکت می‌کردیم، اگر یک درد به خانه‌شان بزند، چه کاری انجام می‌دهند؟ آیا نگاه می‌کنند یا مقابل سارق از خانه و زندگی خود دفاع می‌کنند؟ اصرار بر یی افراد برای حضور در اجلاس شرم‌الشیخ، نشان دهنده نفهمی آن‌هاست که خیال می‌کنند اگر بنشینیم و نگاه کنیم تا دشمنان هر کاری که خواستند، انجام دهند و هر بلایی که خواستند، بر سر مایا‌ورند، کار خوبی است. در حالی که این رویه با انسانیت در تناقض است. خداوند دفاع از خود را بر همه انسان‌ها واجب دانسته است و این یک کار بسیار صحیح، منطقی و انسانی است که ما جلوی چپاول گران و تجاوزکاران را بگیریم و آن‌ها را سرجایشان بنشانیم. اگر چه این کار حتماً هزینه دارد، اما این هزینه قطعاً هم مورد قبول منطقی و هم مورد قبول خداوند است.»



خسته نشدید؟

محسن برهانی، استاد حقوق دانشگاه تهران در ایکس نوشت: «از «قرارگاه حجاب و عفاف» و «کلینیک ترک بی‌حجابی» و «حجاب‌بانی» رسیدند به «اتاق وضعیت عفاف وحجاب» با هشتاد هزار نیرو خسته نشدید؟ عِرض خود می‌برند و زحمت مردم می‌دارند. فقط به اون لشکر ۸۰ هزار نفری‌تان در تهران شیرفهم کنید که خشونت نورزند و جامعه را ملتهب نکنند.